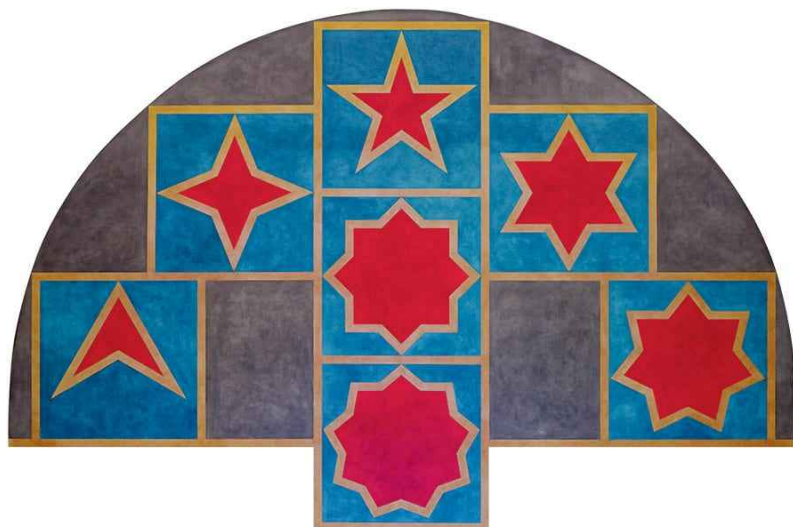


یهودیان آمریکائی، اسرائیل و سیاستِ ایالات متحده آمریکا



اَرِیک آلتَرْمَن

نویسنده کتاب "ما یکی نیستیم: تاریخ جنگ آمریکا برسر اسرائیل"،
2022

لوموند دیپلماتیک، فوریه 2024

ترجمه: بهروز عارفی

«...»
«...»

به همان میزانی که اسرائیلی ها راست گراتر می شوند، یهودیان آمریکائی به چپ تمایل بیشتری می یابند. در نتیجه: لابی هوادار اسرائیل در ایالات متحده آمریکا، از این پس بر حمایت مسیحیان بنیادگرا بیشتر از یهودیان تکیه می کند. اما، جنگ غزه، همچنین دانشگاه آمریکا نیز سخت متلاطم کرده و در نتیجه، برخی از تأمین کنندگان مالی این مؤسسه ها تصمیم گرفته اند دانشگاه های را تنبیه

کنند که از دولت اسرائیل زیاد انتقاد می کنند.

پنج هفته پس از حمله مرگبار حماس در هفتم اکتبر ۲۰۲۳، جمعیتی در حدود دویست و نود هزار نفر، که اکثریت شان از یهودیان آمریکائی بودند، برای تأیید دوباره ی پشتیبانی شان از اسرائیل در واشینگتن تظاهرات کردند و خواستار آزادی گروگان های دربند در غزه شده، یهودستیزی را افشا کردند. بی تردید، این، پرجمعیت ترین تظاهرات هواداری از اسرائیل در تاریخ ایالات متحده آمریکا بود. از نقطه نظری صرفاً سیاسی، این تظاهرات احتمالاً ضرورت کمی داشت، زیرا دولت جوزف بایدن، بدون کوچکترین ابهامی، از هر یک از این سه خواست دفاع می کرد.

این بسیج عمومی با نزدیک به دوهزار تظاهرات که برای «همبستگی با خلق یهود» در اوایل جنگ پیشین اسرائیل و حماس در ماه مه ۲۰۲۱ برگزار شدند، هماهنگی نداشت. سه سال پیش، بیشتر سازمان های پیشرو یهودی و «صلح طلب» با انتقاد از سازمان دهندگان که هر انتقادی از صهیونیسم را معادل آنتی سمیتسم تلقی می کردند، آن برنامه را بایکوت کردند. روز ۱۴ نوامبر گذشته، این سازمان ها ضمن اینکه از بایدن خواستند تا برای توقف کشتارهای غیرنظامیان فلسطینی بر حکومت بنیامین نتانیاو فشار آورد، به طور انبوه در تظاهرات شرکت کردند، - البته یکی از خواست های انجمن «آمریکائی برای صلح، اکنون» (APN) این است که کمک نظامی آمریکا به اسرائیل به رعایت حقوق انسانی مشروط گردد. رهبران دو حزب حاضر در کنگره آمریکا نیز حضور داشتند، زیرا پشتیبانی از اسرائیل توانایی جادویی متحدکردن هواداران بایدن و دونالد ترامپ را دارد.

به احتمال زیاد، در میان یهودیان حاضر در آن روز، بسیاری از دیدن واعظ انجیلی جان هِیجی که در میان مهمانان وول می خورد مضطرب شدند. هِیجی، رئیس گروه «مسیحیان متحد برای اسرائیل» (CUFI)، معتقد است که خدا هیتلر را به مثابه یک «شکارچی» فرستاده بود تا یهودیان را به خاطر امتناع از اطاعت از «کتاب مکاشفه یوحنا» مجازات کند و بازگشت آنان به سرزمین مقدس بایست به برانگیختن روز آخرت یاری رساند. بدین ترتیب، پرچم جهانی هواداری از اسرائیل تا متعصب ترین آنتی سمیت [یهود ستیز] ها* را نیز دربر می گیرد. (۱)

هنگامی که آنتونی جونز («وان جونز») ، تحلیلگر سیاه پوست و مترقی سی ان ان، تلاش می کند در پشت تریبون، نقش متعادلی ایفا کند، - «من برای صلح دعا می کنم. که بعد از این، موشکی از غزه پرتاب نشود. و همچنین بمبی بر سر اهالی غزه نبارد»، در بازگشت با فریادهای «هو» و «نه به آتش بس» مواجه شد. در این هنگامه، ضدتظاهرات های کوچک با حمایت گروه های یهودی مخالف یعنی «صدای یهودی برای صلح» (Jewish Voicefor Peace) و «چرا اکنون نه» (IfNotNow) در حاشیه رویدادها برگزار شد. این گردهمایی ها به طور گسترده در هفته های پیش از آن علیه مباران های باریکه ی فلسطینی بسیج شده بودند. این ها در کنار گروه های دیگر، فلسطینی و غیرفلسطینی، بارها تظاهرات کرده و با بستن راه عبور و مرور و اشغال ایستگاه های راه آهن در چندشهر بزرگ کشور تا درون کاپیتول (ساختمان کنگره امریکا) با مطالبه پایان تحویل سلاح به اسرائیل پیش رفته و به بایدن هشدار داده بودند که با استفاده از قدرتش بلافاصله کشتار را متوقف کند.

با این حال، ضدتظاهراتی که تعداد شرکت کنندگان در آن، کمتر از تظاهرات طرفدار اسرائیلی ۱۴ نوامبر بود، به بهترین وجهی، مجموعه اهالی آمریکا را نمایندگی می کرد که اکثریت شان ضد جنگ غزه هستند. پیرو نظرسنجی که پیش از گذشتن میزان قربانیان فلسطینی از مرز ده هزار کشته، انجام شده بود، ۶۶٪ رأی دهندگان آمریکائی بیان می کردند که «کاملاً» یا «تقریباً» از پیشنهاد آتش بس فوری پشتیبانی می کنند. شمار چشمگیری از یهودیان، به ویژه در میان جوانان کمتر از ۲۴ سال نیز با این خواسته موافق بودند که نسبت به سرنوشت و حقوق فلسطینیان حساسیت بیشتری دارند، در حالی که در اسرائیل، همین رده ی سنی به طور گسترده در جهت معکوس حرکت کرده اند.

در هر کدام از پنج انتخابات اخیر در اسرائیل، رأی دهندگان اسرائیلی بی وقفه از خودکامگی، تئوکراسی و انضمام فزاینده کرانه باختری پشتیبانی کرده اند و بدین گونه، آنچه را دیوان دادگستری بین المللی «آپارتاید» می خواند، پذیرفته اند. در همان زمان، رهبران راست-افراطی، یکی پس از دیگری، خود را از بند همه پیوندهای سیاسی و روانشناختی که آن ها را به یهودیان آمریکایی وصل می کرد، خلاص کردند و از این پس، آشکارا به صهیونیست های انجیلی که دیدگاه های حزب جمهوری خواه در این زمینه ها را تعیین می کنند، نزدیک شده اند. برپایه گفته ی

گاری رُوزِ نبلاّت سردبیر پیشینِ Jewish week در نیویورک، نتانیاہو در دیدارهای خصوصی تأیید می کند که «تا زمانی که از پشتیبانی مسیحیان انجیلی برخوردار است، که تعدادشان بسیار از شمار یهودیان و به طور یقین، بیشتر از یهودیان ارتدکس است، همه چیز بروفق مراد او است». الیوت آبرامز (۲)، دیپلمات جمهوری خواه نیز یادآوری می کند که «انجیلی ها در این کشور، بیست یا سی برابر تعداد یهودیان هستند». بدین ترتیب، گروه لابی طرفدار اسرائیل، آیپک (AIPAC)، هر قدر بیشتر راست گرا می شود، کمتر «یهودی» می گردد.

اگرچه حمله حماس و واکنش اسرائیل اساساً دیدگاه های سیاسی یهودیان را تغییر نداده، در مقابل، اختلاف های آنان را تشدید کرده است. بیش از پانصد کارمند حدود صد و چهل سازمان یهودی آمریکائی در نامه ای سرگشاده به رئیس جمهور بایدن نوشته اند: «می دانیم که راه حلی نظامی برای این بحران وجود ندارد. می دانیم که اسرائیلی ها و فلسطینیان، در این سرزمین ماندنی هستند و اگر یهودیان و فلسطینیان را در مقابل هم قرار دهند، نه امنیت یهودیان، و نه آزادی فلسطینی ها تحقق نمی یابد.» (۳). از سوی دیگر، یازده سناتور دموکرات نامه ای را خطاب به بایدن امضا کرده اند که در آن، او را ترغیب می کنند تا بپذیرد که «رنج فزاینده ی و متداوم در غزه نه فقط برای غیرنظامیان فلسطینی تحمل ناپذیر است، بلکه همچنین به دلیل وخامت تنش های موجود و ضعیف تر شدن ائتلاف های منطقه ای، برای امنیت غیرنظامیان اسرائیلی نیز زیان آور است» (۴). علاوه براین، به او دستور می دهند که مداخله کرده از اسرائیلی ها امتیازهایی بگیرد، درخواستی که ده سال پیش در زندگی سیاسی آمریکا تصورناپذیر بود.

در تدارک «نکبه» دوم

برنی ساندرز، به نوبه خود، بدون فراخواندن به یک آتش بس، در حمله به «حکومت راست افراطی نتانیاہو» خویشتن داری نکرده است. و «جنگ تقریباً کامل او علیه مردم فلسطینی را از نظر اخلاقی غیرقابل پذیرش و نقض قانون های بین المللی ارزیابی» کرده است. و خواسته است که کمک آمریکا به اسرائیل (۸/۳ میلیارد دلار در سال) از این پس مشروط گردد به حقوق بازگشت اهالی غزه به خانه های شان و پایان خشونت های ساکنان شهرک ها [کولون ها] در کرانه باختری و توقف سیاست گسترش مستعمره سازی و از سرگیری مذاکره برای صلح با چشم انداز راه حل دو دولت (۵).

به طور متناقضی، هر چه بر تعداد نمایندگان دموکراتی افزوده می‌شود که موضع هواداری از فلسطینِ رأی دهندگان نشان را می‌پذیرند، به همان نسبت نیز، بایدن بیشتر اصرار دارد که با نخست وزیر اسرائیل تشریک مساعی کند. به استثنای چند گروه منزوی، که جنایت های حماس در ۷ اکتبر را «تبلیغات صهیونیستی» می خوانند، هیچ کس در ایالات متحده حق اسرائیل را برای انتقام جویی نظامی انکار نمی کند ، حتی اگر هدف گیریِ اهالی غیرنظامی در غزه و نابودی تقریباً کامل ساختارها امکان می دهد تا بتوان پیش بینی کرد که با شکل های رادیکال و مصمم مقاومت حتی در سال های آتی نیز مواجه خواهیم بود.

با این وجود، رئیس جمهور آمریکا درباره ی نفوذی که می تواند بر نتانیاها اعمال کند، اغراق می کند. نتانیاها در سال ۲۰۰۱ به گروهی از شهرک نشینان در کرانه باختری گفت: «آمریکا چیزی است که می توان به آسانی در جهت خوب هُلَش داد... این کشور ما را اذیت نخواهد کرد (۶)». نخست وزیر اسرائیل با پشتیبانیِ افراطی ترین وزیران و طرفداران به شدت هیجان زده اش پشت سرهم، به متحدِ آمریکایی اش بی حرمتی کرد، بدون این که هرگز قصد خود را برای رُخدادِ نکیه [فاجعه] دوم، یعنی مجبور ساختن فلسطینیانِ غزه به مهاجرت به مصر یا جای دیگر، پنهان کند. او درنظر دارد پایان دادن به نبردها را به سه هدف زیر مشروط کند: «نابودی حماس، غیرنظامی کردنِ غزه و رادیکال زدائی جامعه فلسطینی.»

از سوی دیگر، بایدن با ایفای نقش تک سوار ، احتمالِ انتخاب مجددش در نوامبر آینده را کاهش می دهد. اگر سیاست هواداری از اسرائیل رئیس جمهور آمریکا بیشتر طرفداران حزب دموکرات را ناراضی کرده، به ویژه این نارضائی در میان جوان تر ها افزایش می یابد؛ گفته می شود که ۷۰٪ رأی دهندگانِ کمتر از ۲۴ سال با اتحاد بایدن-نتانیاها مخالف اند. همچنین، شماری از آمریکائیانِ عرب تبار نیز اعلام کرده اند که این بار از رأی دادن به بایدن خودداری خواهند کرد، با اینکه آگاهند که جمهوری خواهان آرمان اسرائیل را با اشتیاقی بیشتر از دموکرات ها پذیرفته اند.

به چند دلیل می توان توضیح داد چرا بایدن چنین مخاطره ی سنگینی را پذیرفته است. ابتدا، عشقِ او به اسرائیل و روایت صهیونیستی نیازی به اثبات ندارد. در زمان کارزار انتخاباتی در سال ۲۰۲۰، هنگامی که رقیبان چپ گرای او، ساندِرز و خانم الیزابت وارِن از رفتن به گردهم ایی آپیک خودداری کرده و خواستار مشروط کردن کمک

به اسرائیل شدند - موضعی که در آن زمان، اکثریتی از یهودیان آمریکا حمایت می کردند - بایدن به آنان حمله کرده و آن کار را «کاملاً مفتضحانه» نامید. او به عنوان معاون رئیس جمهور در هنگام ریاست اوباما، در برابر جمعیتی یهودی به خود می بالید که: «من بیشتر از برخی از شما از آپیک پول دریافت کرده ام».

رئیس جمهور آمریکا معتقد است که اسرائیل و ایالات متحده چنان به هم جوش خورده اند که نباید حتی نور از میان آن رد شود. او چندین بار، در سیاست خارجی اوباما دخالت کرد تا اصطکاکی را ملایم تر کند که اکراه اسرائیلی ها نسبت به تلاش های صلح با فلسطینیان ایجاد کرده بود (۷). او تصور می کند که از این طریق، می تواند شور تجاوزکارانه نتانیاهو را که عبارتند از طرح الحاق کرانه باختری و انگیزه ی حمله به حزب الله در لبنان، کاهش دهد.

او همچنین باید قدرت انکارناپذیری را که سازمان های یهودی محافظه کار آمریکائی اعمال می کنند، در نظر گیرد. این سازمان ها هر نماینده ای را که از خواسته های ارتدکسیِ هوادار اسرائیل دور می شود، تنبیه می کنند. در سال ۲۰۰۹، هنگامی که اوباما در آغاز دوره ریاست جمهوری اش بسیار محبوب هم بود، با تمایل به از سرگیری مذاکرات صلح، از اسرائیل خواست که گسترش شهرک سازی های کرانه باختری را متوقف کند، آپیک با نامه ای به مقابله پرداخت که ۳۲۹ عضو مجلس نمایندگان [از مجموع ۴۳۵ نماینده] آن را امضا کرده بودند و از رئیس جمهور می خواستند که پیشنهادش را «به طور خصوصی» با اسرائیلی ها مطرح کند. اوباما اعتراف می کند که بلافاصله فهمید که کوچکترین کدورتی با اسرائیل «با هزینه سنگین سیاسی در کشور خودش همراه بود که قابل مقایسه با هزینه چنین رفتاری با بریتانیا، آلمان یا فرانسه، ژاپن یا کانادا یا هر کشور دیگر در میان متحدان نزدیکش» نبوده است.

امروزه، سازمان های هوادار اسرائیل در گسیختگی کامل با ۷۰٪ یهودیان آمریکائی که تمایل به حزب دمکرات دارند، میلیون ها دلار از یاری کنندگان محافظه کار جمع آوری می کنند تا از نامزدهایی پشتیبانی کنند که در انتخابات مقدماتی حزب جمهوری خواه ردپای ترامپ را دنبال می کنند و نامزدهای ترقی خواهی را که در زمان انتخابات مقدماتی حزب دموکرات، نسبت به آرمان اسرائیل به حد کافی وفادار نیستند شکست دهند. بدین گونه، کمیته فعالیت انتخاباتی آپیک موسوم به United Democracy project در

سال ۲۰۲۲ نزدیک به ۳۶ میلیون دلار خرج کرد تا موجب شکست چهار نماینده مشهور از شاخه چپ حزب دموکرات گردد که نسبت به قضیه فلسطین حساس بودند : رشیده طالب، الحان عُمَر، الکساندریا کاسیو-کورتِژ و آیانا پرسلی. امسال نیز همین تشبثات تکرار شد ولی بی نتیجه بود. همچنین، قصد دارند که به میزان صد میلیون دلار کمک مالی جمع‌آوری کنند تا دموکرات‌ها از پشتیبانی بی دریغ‌شان از اسرائیل و لیکود، حزب نتانیاهو منحرف نشوند. در نبود کاندیدای قابل قبول، آلیک خودش کسی را استخدام می‌کند. دو ساکن حوزه انتخاباتی دیترویت هدیه ای بیست میلیون دلاری گرفتند تا در مقابل خانم طالب، تنها نماینده فلسطینی-آمریکائی کنگره، که همکاران‌شان او را به دلیل دفاع از حقوق فلسطینیان از کمیسیون امور خارجی مجلس نمایندگان اخراج کرده بودند، نامزد انتخابات شوند (۸).

از سوی دیگر، بحث درباره ی روابط اسرائیل-آمریکا از آنچه افزایش نگران‌کننده ی یهودستیزی به نظر می‌رسد و نیز از اراده ی برخی گروه های یهودی، به رهبری لیگ ضد افترا ADL که می‌خواهد ضدصهیونیسم را نیز معادل یهود ستیزی بداند، حتی هنگامی که یهودیان خود را ضد صهیونیست بدانند، تفکیک ناپذیر است. زیرا منشاء همه خشونت های یهودستیزانه که در آمریکا ثبت شده اند، راست افراطی است. داده های لیگ ضدافترا حاکی از آن است که هر قتلی که به خاطر نفرت از یهودیان در سال ۲۰۲۲ رخ داده است، از جانب راست افراطی بوده است (۹). کسانی که در سال ۲۰۱۷ در شهر شارلوت-ویل فریاد می‌زدند «یهودیان جای ما را نخواهند گرفت»، نئونازی‌ها بودند و قاتل کشتار کنیسه «درخت زندگی» در پیتسبورگ واقع در پنسیلوانیا (۱۱ کشته) یک برتری طلب سفید پوست بود. روزی که آدم کش پیتسبورگ در دادگاه محاکمه می‌شد، یک افراطی راست گرا به اتهام برنامه ریزی جهت حمله به یک کنیسه در میشیگان دستگیر شد. اما، چپ برای مبارزه با ناسیونالیسم در گرماگرم رونق، اختلاف نظر دارد - نه چندان در مورد نفس پشتیبانی از فلسطینی‌ها که اصلی پذیرفته شده است، بلکه بر روی شیوه ی تأیید آن.

حمله مرگبار حماس، این اختلاف نظرها را وخیم تر کرده و موجب شده که هر گونه موضعگیری در مخالفت با اسرائیل پرهزینه گردد. در هالیوود، هنرپیشه های هوادار فلسطین کارگزاران‌شان را از دست دادند و کارگزاران طرفدار فلسطین مشتری های‌شان را. در

نیویورک، جی پِرنسکی، وارث میلیاردر یک شرکت حمل و نقل، مالک مجله هنری «آرت فوروم» سردبیر مجله را به این دلیل که نامه ای سرگشاده «در همبستگی با خلق فلسطین» منتشر کرده بود، بیکار کرد. باز در نیویورک، هیئت مسئول بخش ادبیات در مرکز فرهنگی 92nd Street Y - نهادی که خود را صهیونیستی می نامد - برای اعتراض به فشارهای داخلی جهت لغو کنفرانس رُمان نویس ویتنامی، ویت تان نگوین که گنااهش امضای متنی در London Review of Books بود که اسرائیل را متهم به «کشتن عامدانه ی غیرنظامیان» کرده و به آتش بس فوری فراخوان داده بود، همه با هم استعفا دادند (۱۰).

دانشگاه ها ، هدف سا نسور

با این همه، نبرد های شدیدتر در رابطه با اسرائیل - چه پیش از ۷ اکتبر و چه بعد از آن - در مشهورترین دانشگاه های آمریکا تمرکز یافته است. ناتان شارانسکی، معترض دوران شوروی که به چهره ی سیاسی راست گرای تند اسرائیلی تبدیل شده، بدون کوچکترین اعتراض در رسانه های آمریکائی اعلام کرد: «این جنگ، جبهه دیگری دارد که نه در تونل های غزه یا تپه های جلیل، بلکه در هاروارد، یریل، پن و کلمبیا ...» قرار دارند. حقیقت دارد که خود روزنامه نگاران رسانه های غالب نسبت به این نهادهای پراج که اغلب در آن جا نیز تحصیل کرده اند و جماعت یهودی نیز در آن دانشگاه ها آشکارا بسیار زیادند، توجه ویژه ای دارند.

در مرکز جدل، این واقعیت قرار دارد که در اوضاع کنونی، دانشگاه های آمریکائی - اغلب تحت تأثیر کتاب ادوارد سعید، اوریانتالیسم [شرق شناسی] - تاریخ اسرائیل را با مانویتی کمتر از آن چه از گذشته به آنان رسیده است، تدریس می کنند با پذیرش این مخاطره که احساسات برخی از دانشجویان و بیشتر از خود آنان، پدران و مادران شان را جریحه دار کنند. به همین دلیل، فضای دانشگاه نخبگان به دقت زیر مراقبت بخشی از یهودیان قرار دارد که از تغییر برداشت نسبت به اسرائیل در محیط های دانشگاهی و محفل های چپگرایان نگران هستند. تقریباً همه جوانان یهودی طبقه متوسط بالا به تحصیل می پردازند، اما شماری از آنان واقعیت های اسرائیل را از درون یک حباب ایدئولوژیکی آموخته اند. آن گاه که پای شان به دانشگاه می رسد، جهانی موازی را کشف می کنند که در آن اسرائیل را به منزله ستمگر و فلسطینیان را به مثابه قربانی می نگرند. در نتیجه، ناهنجاری شناختی پدید می آید که ممکن است

موجب هراس شود. پدر و مادران شان که مشاهده می کنند صدها هزار دلاری که برای هزینه دانشگاه پرداخته اند به چنین نتیجه ای می رسد، بازهم بیشتر مضطرب می شوند؛ فرزندی که با استدلال های انتقادی، مسلماً درست، ولی به طور شخصی (و به طور غم انگیزی) توهین آمیز به خانه برمی گردد. ضربه در حد نقشی است که حمایت از اسرائیل در تعریف هویت چندصدساله یهودیان آمریکا ایفا کرده است.

در همان زمان، سازمان های یهودی محافظه کار در تلاشند تا این اصل را تحمیل کنند که بنابر اصطلاح جوناتان گرین بلات، مدیر «لیگ ضدافترا» «ضدصهیونیسم، یهودستیزی است، همین و بس!» . به عقیده ی وی، همچنین اصطلاح «فلسطین آزاد» مترادف با «یهودستیزی» است. هدف از این تهاجم به ویژه دانشگاه ها را هدف گرفته که صدای هواداری از فلسطین هم در میان استادان و هم دانشجویان به گوش می رسد. تلاش های لیگ یادشده ADL، و سازمان های راست گرای دیگر در جلوگیری از آزادی بیان در فضای دانشگاهی، نزد رسانه ها پثرواکی می یابد که در نخستین ردیف آن تلویزیون «فاکس نیوز»، «نیویورک پُست» متعلق به گروه ماردوک قرار دارد و نیز تلویزیون های خبری که گرایش کمتری به راست دارند. از سوی دیگر، این گروه ها تأمین کنندگان مالی خصوصی را تشویق می کنند تا مؤسسه هایی را که نسبت به اسرائیل گستاخ ارزیابی می کنند، با تهدید به قطع کمک مالی، زیر فشار گذارند.

مارک رووان، میلیاردر و مالک بنیاد سرمایه گذاری «Apollo Global Management» همچنین رئیس سازمان «United Jewish Appeal» (صدای متحده یهودی) که از تأمین کنندگان مالی «لیگ ضدافترا» است، و در «شورای مشورتی وارتون»، دانشکده بازرگانی وابسته به دانشگاه پنسیلوانیا نیز حضور دارد، حتی پیش از ۷ اکتبر کارزاری به راه انداختن تا الیزابت مگیل را از ریاست دانشگاه برکنار کند.

آقای رووان راضی نبود که دانشگاه پنسیلوانیا اجازه داده که در صحن دانشگاه فستیوالی ادبی با عنوان «فلسطینی می نویسد» به یاد سلمی الخضراء الجیوسی شاعره فقید فلسطینی برگزار گردد. این رویداد روز ۲۲ سپتامبر گذشته برگزار شد. همان گونه که مجله The American Prospect نقل کرده، رووان سازمان دهندگان برنامه را متهم کرد که «از پاک سازی قومی تجلیل کرده»، از دست یازیدن به خشونت دفاع کرده و «به نفرت علیه یهودیان فراخوان» داده است،

بدون این که سندی برای تأیید این اتهام ها ارائه دهد. یک دلیل روشن بر رد ادعای وی: زیرا این یک فستیوال ادبی بود و نه نشست سیاسی، و نه به هیچ وجه یک شورش آنتی سمیت [یهود ستیز]. با این وجود، خانم مگیل اطلاعیه ای منتشر کرد و در آن «با همه نیرو و بدون ابهام» آنتی سمیتیسم [یهود ستیزی] را محکوم کرد و در ضمن به تعهد دانشگاهش برای «تبادل آزاد ایده ها»، گفتگو با دانشجویان یهودی و حفظ امنیت سازمان های آنان تأکید کرده و قول داد که در آینده باز هم بهتر عمل کند.

با این وجود، فشارها هم از سوی سیاستمداران و هم دانشجویان پیشین و یاری رسانان مالی ادامه یافت. پس از ۷ اکتبر به تدریج بر فشارها افزوده شد. خانم مگیل یکی از سه رئیس دانشگاه در کنار خانم کلودین گِی (هاروارد) و خانم سالی کورن بلوث (انستیتوی تکنولوژی ماساچوست MIT) بود که به پرسش های کنگره که به آن ها اتهام تسامح درباره گفتمان یهودستیزانه وارد می کردند، پاسخ داد. آن ها از خود دفاع کردند، البته با ناشیگری و با دادن پاسخ های صرفاً حقوقی به پرسش هایی که آگاهانه طوری تنظیم شده بودند تا خشم طرفداران اسرائیل را تیزتر کند. خانم مگیل در دهم دسامبر استعفا داد، و این کار، مجلس نمایندگان دارای اکثریت جمهوری خواه را ترغیب کرد تا با صدور قطع نامه ای، خواهان استعفای دو رئیس دانشگاه دیگر شود. جهان دانشگاهی که از این ضربه ها تکان خورده بود، نمی دانست که در برابر قدرت نمائی نمایندگان مجلس و تأمین کنندگان مالی چه تصمیمی بگیرد. کمیته اجرائی پِن از انجمن آمریکائی استادان دانشگاه اعتراض کرد: «میلیاردرهای انتخاب نشده [از سوی مردم] و فاقد صلاحیت در این زمینه در صدد کنترل تصمیم های دانشگاهی هستند، امری که باید به طور انحصاری در صلاحیت دانشگاه بماند تا پژوهش و آموزش حقانیت و استقلال خود را در قبال منافع خصوصی و طرفدارانه حفظ کند».

همه دانشگاه های بلند مرتبه سرگذشت مشابهی دارند. در هاروارد، میلیاردری به نام بیل اکمن فهرستی از «افرادى که نباید استخدام شوند» تهیه کرده و در آن عضوهای سی و چهار سازمان دانشجویی قرار دارد که نامه ای را امضا کرده و اسرائیل را متهم کرده اند که «کاملاً مسئول خشونت هایی است که امروز بیداد می کند (۱۱)». سپس کامیونی در خیابان های کمبریج به راه افتاد که یک گروه راست افراطی فرستاده بود و تابلویی دیجیتالی نام و تصویر

دانشجویانی را نشان می داد که ادعا می شد «یهودستیزان اصلی هاروارد هستند». یک گروه دیگر هوادار اسرائیل نام کنشگران هوادار فلسطین را در شبکه های اجتماعی با پیام زیر پخش می کرد: «وظیفه شماست اطمینان حاصل کنید که رادیکال های امروزی کارمندان فردا نخواهند شد».

از آن پس، اکمن کارزار دیگری به راه انداخته تا خانم گی رئیس هاروارد، نخستین زن سیاه پوست را که تاکنون به ریاست دانشگاهی از Ivy League** برگزیده شده است، مجبور به استعفا کند. این بار، به او ایراد نمی گرفتند که از محکوم کردن حماس یا آنتی سمیتیسم خودداری کرده است، بلکه اکمن و همکارانش معتقدند که این دو را به صورتی نامتناسب محکوم کرده است. او نیز، به نوبه خود، مجبور شد ۲ ژانویه از ریاست دانشگاه استعفا دهد با این بهانه که مقصر به سرقت ادبی بوده است.

وانگهی، با وجود اینکه اسرائیل و فلسطین در مرکز مبارزه شدید در بسیاری از دانشگاه های آمریکاست، تقریباً هیچ کس در جامعه دانشگاهی نظریه اوجگیری یهودستیزی نزد دانشجویان را تأیید نمی کند. در سال ۲۰۱۷، چهار پژوهشگر دانشگاه براندیز درباره این موضوع به بررسی در چهار دانشگاه مشهور پرداختند و سرانجام به این نتیجه رسیدند: «به ندرت، دانشجویان یهودی در معرض یهودستیزی در محل تحصیل شان هستند. (...) آن ها تصور نمی کنند که فضای دانشگاه شان مخالف با یهودیان است. (...) اکثریتی از آنان این ایده را که محیط دانشگاه، دشمن اسرائیل است، رد می کنند (۱۲)». پژوهشگرانی که درباره مطالعات یهودی در دانشگاه استنفورد کار می کنند، پس از یک بررسی مشابه در مورد زندگی دانشجویی در پنج دانشگاه کالیفرنیا به نتیجه مشابهی رسیدند. دانشجویان یهودی مخاطب آن ها گواهی می دهند که «سطح ضعیفی از آنتی سمیتیسم» وجود دارد و خود را «به عنوان یک یهودی» در دانشگاه شان آسوده حس می کردند (۱۳).

انکارناپذیر است که حادثه های اسف باری از هر دو طرف رخ داده است. دانشجویان هم مسلمان و هم یهودی مورد تعرض قرار گرفته اند. اما، پاره ای از دانشگاه ها، از جمله هاروارد، پنسیلوانیا، استنفورد و نیویورک مفید تشخیص دادند که جهت واکنش به این تنش ها، با ایجاد کمیسیون هایی برای پژوهش درباره آنتی سمیتیسم، رضایت تأمین کنندگان اعتبار مالی دانشگاه شان را کسب کنند و در صورت مقتضی از پژوهشگران دانشگاه خود نیز

استفاده نکنند (۱۴). پخش فیلم مستند «اسرائیلیسم» که برداشتی انتقادی از صهیونیسم بود و دو فیلم ساز یهودی تهیه کرده بودند، در بسیاری از دانشگاه ها، اغلب در آخرین لحظه و در حالی که تماشاگران در سالن نشسته بودند لغو شد. رویداد وخیم تر این است که در اواخر نوامبر، سه دانشجوی فلسطینی که به خاطر کفیه شان قابل شناسائی بودند در ایالت ورمونت هدف تیراندازی قرار گرفتند (۱۵).

مک کارتیسم جدید

در چنین وضعیتی، کنشگری تهاجمی گروه «دانشجویان برای عدالت در فلسطین» (SJP)، برخی مدیران دانشگاه ها را به چالشی دیگر فرامی خواند. این کنشگران از حمله های شخصی و کارهای غلوآمیز بری نیستند. در راهنمای کتبی، که این گروه در اختیار کنشگرانش قرار می دهد، از جمله در جمله ای حمله ۷ اکتبر را مترادف با «پیروزی تاریخی» قلمداد کرده و یک سلسه فعالیت برای «امروزی کردن انقلاب» پیشنهاد می کند. برخی از شعبه های SJP تا آن جا پیش رفته اند که تصویرهای چتربازان پاراگلایدر را به منظور استناد به شرکت جنگجویان هوایی حماس در ۷ اکتبر برای کشتار غیرنظامیان اسرائیلی حاضر در یک فستیوال موسیقی در نزدیکی مرز غزه پخش کردند. در نتیجه، این گروه را در دانشگاه های جورج واشینگتن و کلمبیا معلق کردند. (درکلمبیا همچنین برای اخراج گروه «صدای یهودی برای صلح» از محل دفتری که در اختیار آنان بود، تصمیم گرفتند). در فلوریدا، فرماندار اولترامحافظه کار، رونالد دسانتیس به دانشگاه ها دستور داده شعبه SJP را «غیرفعال» کنند، با این توجیه که این گروه به گروه های «تروریستی» «پشتیبانی مالی» می کند - ادعایی مسخره و با وجود این، گرینبلات آن را تأیید کرده است (۱۶).

کنگره زیاده خواهی می کند و کاخ سفید برای جلب رضایت آن، بی میلی نشان نمی دهد، برای مثال اعلام می کند که وزارت خانه های آموزش، دادگستری و کشور را بسیج خواهد کرد تا در فضای دانشگاهی، در مقابل آنچه «مجموعه ی فوق العاده نگران کننده از احساس و کردار زشت و زننده می خواند»، از یهودیان محافظت کند. (۱۷)

چنین محیط سیاسی ای به مک کارتیسم شباهت دارد. در ایالات متحده نظیر خاورمیانه، تنها قدرت سیاسی که به فلسطینی ها یا مدافعان حقوق آن ها داده شده، یادآوری وجود آنان است: سکوت را بشکنند و

تلاش هایی را که هدفش جلوگیری از رسیدن خبر ستمگری اسرائیل به گوش جهانیان است، خنثی کنند. و این درست همان هدفی است که حماس دنبال می کرد، آن گاه که نیروهایش بیش از هشتصد غیرنظامی اسرائیلی را کشتار و چند صد نفر را ربودند. به طور دردناکی، برای همه کسانی که در این اوضاع دخیل بودند، و در وهله نخست، خود رهبران فلسطینی ها، حمله مرگبار ۷ اکتبر چشم انداز روزی را که آنان بتوانند بر سرنوشت شان حاکم باشند را، باز هم بیشتر، در پرده ابهام قرار داد

توضیح مترجم:

* آنتی سمیتیزم، Antisémisme, Anti-semitism دشمنی با یهودیان یا رفتار نژادپرستانه با یهودیان، در ادبیات کنونی «یهودستیزی» ترجمه می شود. واژه sémite یعنی سامی، به مردم سامی گفته می شود که به یکی از زبان های سامی (عربی یا آمهری [از زبان های اتیوپیایی]) حرف می زنند. آنتی سمیتیزم را نباید با Antijudaïsme [ضدیت با یهودیت] و Judéophobie [یهودهراسی] اشتباه گرفت. برخی از مورخان تاریخ یهودیت، واژه دوم را مترادف با یهودستیزی به کار می برند. برخی نیز به دلیل ریشه و مفهوم وسیع "آنتی سمیتیزم" آن را به جای یهودستیزی به کار نمی برند.

** گروه Ivy League، گروهی مرکب از هشت دانشگاه شمال شرقی آمریکا (دارتماوث، هاروارد، براون، یریل، کلمبیا، پرینستون و پن) است. Ivy یعنی پاپیتال یا پیچک معمولی که بر دیوارهای این دانشگاه ها می روید و نشانه ای از قدمت آن هاست.

Les Juif américain, Israël et la politique des Etats-Unis, par
ERIC ALTERMANN

.Le monde Diplomatique, Février 2024

زیرنویس ها :

1 - به دو مقاله از ابراهیم وردا، لوموند دیپلماتیک فوریه ۲۰۱۹ و سپتامبر ۲۰۰۲ به ترتیب، با عنوان های «اسرائیل، یهودیان آمریکا را از خود بیگانه می کند» و «پیش از بازگشت مسیح، صلح ممکن نیست» مراجعه کنید.

<https://ir.mondediplo.com/2019/02/article3105.html>

2 - به مقاله « بازگشت به دوران یک "وزیر امور خارجه" برای جنگ های کثیف » نوشته اریک آلترمن مراجعه کنید:

<https://ir.mondediplo.com/2019/03/article3125.html>

Ales Seitz-Wald, « Hundres of Jewish organization staffers – 3 call for white House to back Gaza cease-fire », NBNC News, december 7th 2023, www.nbcnews.com

Patricia Zengerle, « US Democrats urge Biden to push – 4 Israel over Gaza humanitarian assistance », Reuters, November .20, 2023

Sanders calls for conditioning aid to Israel amidst the » – 5 ,« growing crisis in Gaza and the West Bank

سایت شخصی برنی ساندرز، 18 نوامبر 2023. www.sanders.senate.gov

Ron Kampeas, « Netanyahu changed the way Americans view – 6 Israel – but not always in the way he wanted », Jewish Telegraph Agency. June 2 2021. www.jta.org

Peter Beinart, « Joe Biden's alarming record on Israel », – 7 Jewish Currents, january 2è, 2020, <https://jewishcurrents.org>

Sara Powers, A second Michigan senate candidate says he – 8 was offeres \$20M to run against Rashida Tlaib », CBS News, .November 28, 2023

– 9

Written testimony of Amy Spitalnick on may 16, 2023 », » Human rights first, 16 mai 2023, <https://humanrightsfirst.org>

Cf. Alexander Zevin, « Gaza and New York », New Left – 10 .Review, n° 144, novembre-décembre 2023

J. Sellers Hill et Nia L. Orakwue, « Harvard student – 11 groups face intense backlash for statement calling Israel

**'Entirely responsible' for Hamas attack », The Harvard
/Crimson, 10 octobre 2023, www.thecrimson.com**

**Graham Wright, Michelle Shain, Shahar Hecht et Leonard – 12
Saxe, « The limits of hostility: Students report on
antisemitism and anti-Israel sentiment at four US universities
.», Brandeis University, décembre 2017**

**New study by professor Kelman finds lower levels of » – 13
anti-semitism at US universities », Stanford Global Studies,
.15 septembre 2017**

**Peter Beinart, « Harvard Is Ignoring Its Own – 14
.Antisemitism Experts », Jewish Currents, 11 décembre 2023**

**Nadia Abu El-Haj, « The Eye of the Beholder », The New – 15
York Review, 24 décembre 2023, www.nybooks.com**

**Alex Kane, « The Push to "Deactivate" Students for – 16
Justice in Palestine », JewishCurrents, 21 novembre 2023,
<https://jewishcurrents.org>**

**Emma Green, « How a Student Group Is Politicizing a – 17
Generation on Palestine », The New Yorker, 15 décembre 2023,
www.newyorker.com**

اشتباه راهبردی اسرائیل



در برابر حماس، حکومت نتانیا هو هر
راه حل سیاسی را رد می کند.
شارل آندِرلِن

لوموند دیپلماتیک، ژانویه 2024

شارل آندِرلِن، روزنامه نگار فرانسوی-اسرائیلی، تا
سال 2015 گزارشگر (reporter) کانال تلویزیونی
France 2 در بیت المقدس.

نویسنده کتاب [اسرائیل و فلسطین: راه حل سیاسی](#)
انتشارات سوی، پاریس، 2023.

ترجمه: بهروز عارفی

روز 7 اکتبر 2023، با حمله حماس به اهالی
غیرنظامی و پادگان های نظامی، اسرائیل ضربه ی
بزرگی دید. یکی از دلایل های این رویداد تراژیک،
امتناع رهبران از اولویت دادن به پاسخی سیاسی به
مسئله فلسطین است. جنگ کنونی در غزه، به بهانه ی

نا بودی حماس آستنِ درام های آینده است.

روز ۱۵ مارس ۲۰۰۳ برف شدیدی در بیت المقدس می بارید، و آوی دیکتر، رئیس وقت «شاباک»، سرویس اطلاعات داخلی اسرائیل، مجبور است قسمتی از راهی را که به خانه ماتئ اشتاینبرگ در محله بیت هاگرم هدایت می کند، با پای پیاده طی کند. او قصد دارد به وی اطلاع دهد که به خدمتش نیازی ندارد. با این کار، دیکتر خود را از بهترین کارشناس پرونده فلسطین محروم می کند (۱) که در درازای ده ها سال، به ترتیب، تحلیلگر ارشد موساد، اطلاعات نظامی و سپس شین بیت بود. این کارشناس بر خلاف جریان سیاسی حکومتی از آریل شارون نخست وزیر انتقاد کرده بود که چرا ابتکار عمل صلح پیشنهادی ملک عبدالله پادشاه عربستان در نشست سران جامعه عرب در مارس ۲۰۰۲ در بیروت را رد کرد (۲). این طرح که تا امروز موضع رسمی جامعه عرب باقی مانده، عادی سازی قطعی بین اسرائیل و همسایگان عربش را در مقابل عقب نشینی کامل اسرائیل از سرزمین های اشغالی در ژوئن ۱۹۶۷ پیشنهاد می کرد.

به ویژه، اشتاینبرگ با نکوهش از قتل های هدمند رهبران فلسطینی اطمینان داشت که رهبری سیاسی با در نظر گرفتن ایمنی کشور فقط از جنبه امنیتی، آن را به خطر می اندازد. بر پایه ی تحلیل های او، تنها ایجاد یک فلسطین مستقل می تواند به اسرائیل امکان دهد که کشوری یهودی و دموکراتیک بماند. اشتاینبرگ که بعدها استاد مشهور دانشگاه شد، لحظه ای از رساندن صدایش در بیست سال گذشته غافل نمانده است. در سال ۲۰۰۵، او تلاشی بی ثمر کرد تا به تصمیم گیرندگان نظامی و سیاسی بفهماند که برچیده شدن یک جانبه ی شهرک های غزه با تصمیم شارون به یک فاجعه ی راهبردی منجر خواهد شد. چرا چنین تصمیمی را گرفتند؟ در آن هنگام، دو وایسگلاس، وکیل و مشاور نزدیک به نخست وزیر در مصاحبه با هآرتس، راز را لو داده و نیت واقعی حکومت را فاش کرده بود: «[عقب نشینی از غزه] به معنای بستن روند سیاسی است. و هنگامی که این روند را مسدود می کنید، از ایجاد دولت فلسطین، هر گفتگویی بر سر بازگشت پناهندگان، مرزها و بیت المقدس جلوگیری می کنید» (۸ اکتبر ۲۰۰۴). بلافاصله پس از این عقب نشینی حکومت اسرائیل با تقویت پلیس تشکیلات خودگردان در غزه مخالفت کرد و در ژوئیه ۲۰۰۷ ارتش اسرائیل را از یاری رساندن به همان پلیس در جریان ضربه ی کاری حماس برای کنترل باریکه ی مسدود، ممنوع کرد. از نگاه

مسئولان نظامی و سیاسی اسرائیلی، گزینش حفظ وضعیت موجود به این منجر می شد که دست سازمان اسلامی را در مدیریت سرزمینش آزاد گذاشته و در عین حال تشکیلات خودگردان را که محمود عباس از رام الله در کرانه باختری ریاست می کند، تضعیف کند. اشتاینبرگ توضیح می دهد که چنین کاری، فراموش کردن این نکته است که برای حماس، به عنوان یک جنبش بنیادگرا، غزه و سراسر فلسطین سرزمینی اسلامی است که مرکزش مسجد مقدس الاقصی در بیت المقدس می باشد.

انتقام گیری یک سیاست نیست

بنیامین نتانیا هو با بازگشت به قدرت در سال ۲۰۰۹، همین استراتژی حفظ حماس در قدرت را ادامه داد و از جمله به قطر اجازه داد که نیازهای مالی آن را تأمین کند. در سال ۲۰۱۹، او به نمایندگان مجلس از حزب لیکود توضیح می داد: هر فردی که می خواهد از ایجاد دولت فلسطین جلوگیری کند باید از تحکیم و انتقال اعتبار مالی به حماس پشتیبانی کند (۳). نتانیا هو با تشکیل الحاق گراترین* دولت تاریخ اسرائیل، کلید مستعمره سازی را به برتسلل اسموتریچ داد و او را به وزارت دارایی و نیز به عنوان وزیر مشاور دفاع منصوب کرد و با این مقام، مسئولیت اداری کرانه باختری را به او سپرد. این مستعمره نشین مهدویت گرا در سال ۲۰۱۷ طرحی منتشر کرده بود که هدفش پیرو گفته ی خودش، تضمین پیروزی اسرائیل بود. این طرح که در واقع، یک اعلام جنگ آشکار به جنبش فلسطینی بود، به «عرب های یهودیه و سامره» به معنای دیگر، کرانه باختری حق انتخاب بین «ماندن و زیستن به عنوان فرد در دولت یهودی» را می داد و در عین حال این پرسش را طرح می کرد: «فردی که نمی خواهد یا نمی تواند از امیال ملی اش دست بردارد، کمکی دریافت خواهد کرد که به او امکان می دهد به یکی از دولت های عربی متعدد مهاجرت کند».

اشتاینبرگ در کنار فعالیت دانشگاهی اش، از نزدیک و با نگرانی واکنش های فلسطینی ها را نسبت به این تحولات دنبال می کند. بر روی سایت اینترنتی حماس، هیجان زدگی گفتارهای معادی را مشاهده می کند. گرچه شیخ احمد یاسین (۲۰۰۴-۱۹۳۷) بینانگذار سازمان اعلام کرده بود که «موجودیت صهیونیستی» در سال ۲۰۲۷ محو خواهد شد، تحلیلگر پیشین شاپاک یادآوری می کند که به نظر می رسد که الهیات شناسان حماس تصمیم گرفته اند پیش گوئی را جلو اندازند. ۲۵ اوت گذشته، صالح العاروری*، معاون دفتر سیاسی حماس و یکی از بنیان گذاران شاخه ی نظامی، بریگادهای عزالدین القسام، در

تلویزیون لبنانی نزدیک به حزب الله اعلام کرد: « بتسلل اسموتریچ یک مناقشه عمده می خواهد تا بتواند فلسطینی های کرانه باختری و سرزمین ها فتح شده در ۱۹۴۸ را جا به جا کند. در برابر چشمان مان مرحله ای عظیم قرار دارد که در طی آن نبردی شدید را به پیش خواهیم برد که نتیجه اش اثری اساسی بر اوضاع در فلسطین و نیز منطقه خواهد گذاشت (۴)». العاروری در این مصاحبه فقط از کرانه باختری یاد می کند، بدون این که کلمه ای درباره غزه بگوید. یک غفلت - عمدی ؟ - که توانست به منحرف کردن توجه بخش های اطلاعاتی اسرائیلی در مورد برنامه ای که در باریکه تدارک می دیدند، منجر شود... ولی از نظر اشتاینبرگ مخفی نماند.

در بامداد ۷ اکتبر، اسرائیل بزرگ ترین شکست نظامی تاریخش را تجربه کرد. هزاران میلیشیای مسلح از حصار امنیتی پیرامون غزه گذشتند و پایگاه های نظامی مجاور را تسخیر کردند. ستاد فرماندهی به مناسبت عید سیمحاط تورا، جشن تورات، بخشی از نیروهای این پایگاه ها را برای تضمین امنیت مستعمره نشینان به کرانه باختری فرستاده بود. مهاجمان پس از کشتن و اسیر کردن ده ها زن و مرد نظامی، وارد ۲۲ مکان اسرائیلی شدند تا اهالی را کشتار کرده و غیرنظامیان را از هر سنی به گروگان گیرند. در ۲۰ دسامبر، آخرین بیلان این تهاجم حاکی از کشته شدن ۸۵۹ غیرنظامی اسرائیلی، ۲۷۸ ارتشی و ۴۴ پلیس است که البته نباید ۲۵۵ گروگان انتقال یافته به غزه را فراموش کرد (در وقفه ی ماه نوامبر، ۱۱۸ نفر از آن ها آزاد شدند). نزدیک به هزار مهاجم کشته شدند. چهار روز طول کشید تا ارتش کنترل مرز را در دست گیرد.

برای نخستین بار از سال ۱۹۷۳، بسیج عمومی اعلام شد و ۳۶۰ هزار ذخیره فراخوانده شدند. اسرائیل با هدف نابودی ظرفیت نظامی و سیاسی حماس، و نیز آزادی گروگان های اسیر در غزه دست به تهاجم زد. پس از کارزار گسترده ی بمباران هوایی، با پشتیبانی دولت آمریکا و چند کشور غربی، عملیات زمینی گسترده ای آغاز شد. از طریق یک پل هوایی بزرگ، موشک و مهمات از زرادخانه های آمریکائی به ارتش اسرائیل تحویل داده می شود. بنا بر گزارش وزارت بهداشت وابسته به حماس، در ۹ دسامبر، در غزه ۲۰ هزار فلسطینی کشته شده که ۷ هزار نفرشان کودک بودند (۵). گزارش سازمان ملل متحد حاکی از ویرانی ۱۸٪ خانه ها و مسکن ها است. پس از چند هفته پشتیبانی، بالاخره رئیس جمهوری آمریکا در ۱۲ دسامبر کمی صدایش را بلندتر کرد. جوزف بایدن اظهار داشت: «این

بمباران های کورکورانه موجب از دست دادن پشتیبانی بین المللی اسرائیل می شود، و بنیامین نتانیاهو باید اعضای حکومتش که محافظه کارترین وزیران تاریخ اسرائیل است و [وزیر امنیت ملی] بن-گویر و شرکایش را شامل می شود، تغییر دهد. آن ها نه فقط خواهان انتقام گیری از عملکرد حماس هستند، بلکه می خواهند از همه فلسطینیان انتقام گیرند. آن ها راه حل دو کشور را نمی خواهند».

درست در همان روز، نتانیاهو با تکرارِ ردِ یک دولت فلسطینی واکنش نشان داد. او با استقرار تشکیلات خودگردان فلسطینی در غزه نیز مخالفت کرد. «من اجازه نخواهم داد که اسرائیل اشتباه های توافق های اسلو را تکرار کند. من اجازه نخواهم داد که کسانی که تروریسم و فئاتیسم (تعصب) را آموزش می دهند وارد غزه شوند... غزه نه حماسستان خواهد شد و نه فتحستان».

مردم اسرائیل در صورت بروز بحران با ایالات متحده، چه واکنشی نشان خواهند داد؟ در یک نظر سنجی اخیر، انستیتوی دموکراسی اسرائیل سوال زیر را طرح کرده است: «آیا اسرائیل باید راه حل دو دولت را بپذیرد تا بتواند همچنان کمک های آمریکا را دریافت کند؟ فقط ۳۵٪ از یهودیان مخاطب، پاسخ مثبت دادند. ۵۲٪ چنین راه حلی را رد می کنند (۶). پروفیسور تامار هِرمان که در هدایت این بررسی شرکت داشت، معتقد است که «اسرائیلی ها چنان هم از نابودی های غزه تکان نخورده اند زیرا افکار عمومی شدیداً به هیجان آمده است. هر روز در می یابیم که گروگان ها کشته شده اند و به علاوه سربازان مان در نبرد می میرند. به عقیده ام، بهتر بود که ارتش تجهیزات بهتر و کمتر ویرانگری به کار می برد تا ارزش های اخلاقی نبرد اسرائیل حفظ شود. اما، تردید دارم که چیزی را در بین افکار بین المللی نسبت به کشور تغییر می داد».

اشتاینبرگ به نوبه خود بسیار منتقد عملکرد حکومت است. «فرا تر از ملاحظات اخلاقی و قضائی، در نبود یک راهبرد مشخص، انتقام گیری نمی تواند یک سیاست باشد. آزاد گذاشتن دست ارتش در برابر اهالی غزه، برای اسرائیل خطرناک است. با هل دادن دشمن اصلی شان به بیش از حد واکنش نشان دادن، سازمان های تروریستی در صدد مشروعیت زدائی از اسرائیل در برابر افکار بین المللی هستند. این کار به آن ها نوعی حقانیت می بخشد. اگر اسرائیل از غزه عقب نشینی نکند، با شکلی از جنگ چریکی فراگیر روبرو خواهد شد که هدفش در گل فرو بردن کشور در اوضاعی نظیر جنوب لبنان

خواهد بود. این کار تهدیدی احتمالی برای روابط کشور با مصر و اردن نیز خواهد بود، که می تواند موجب زیرپا گذاشتن توافق صلح با این کشورها شود. در آن صورت، حماس مستحکم تر خواهد شد».

در حالی که هر روزه مراسم خاکسپاری نظامیان کشته در نبرد غزه برگزار می شود، این ملاحظات کوچکترین تأثیری در افکار عمومی ندارد زیرا ضربه ی روحی رویدادهای ۷ اکتبر بسیار شدید بوده است. هر شب، نزدیک به صدهزار نفر در میدان موزه هنر در تل آویو که نامش را «میدان گروگان ها» گذاشته اند، گردهم می آیند. آن ها از خانواده های گروگان ها پشتیبانی می کنند که اغلب در آستانه ی نومییدی، از حکومت می خواهند که آزادی گروگان ها را اولویت مطلق آتی خود قرار دهد. در جلو مجلس (کنست) چندین خانواده که پدر و مادرشان را حماس به قتل رسانده، در زیر چادری جمع شده و سوگند می خورند که تا زمان استعفای نتانیا هو، آن محل را ترک نخواهند کرد. مبتکر این کار، یاکو گودو، ۷۴ ساله، پدری سوگوار است. پسر ۵۲ ساله او، توم، روز ۸ اکتبر به دست مهاجمان در کیبوتس کیسوفیم در حالی که از همسر و سه دخترش محافظت می کرد، کشته شد. آنان جان سالم به در بردند. کنشگر سازمان «Looking the Occupation in the Eye» («اشغال در برابر چشمان»)، آقای گودو به صورتی منظم در محافظت از چوپانان فلسطینی که مورد حمله شهرک نشینان در دره رود اردن قرار می گیرند، شرکت داشت. او تأکید دارد که «این جنگ بی فایده است. باید مدت ها پیش، این جنگ به پایان می رسید. هدف مشخصی ندارد. ویرانی های وحشتناکی در غزه به بار آورده است که شمار زیادی غیرنظامیان بی گناه کشته شده اند. این امر فراتر از درک و فهم است. همچنین، سربازان ما نیز در نبرد کشته می شوند. مسلم است که برگرداندن گروگان ها هدف والائی است، ولی من نمی دانم که این حکومت و مردی که هدایتش می کند، چگونه توانائی این کار را خواهند داشت».

تظاهرکنندگان که مورد حمایت شماری از اسرائیلیان هستند، و در میان شان از جمله می توان داوید آگمون، سرتیپ ذخیره و رئیس دفتر پیشین نتانیا هو در سال ۱۹۹۶ را دید، مرتباً هدف ناسزاها و تهدیدهای فعالان حزب لیکود قرار دارند که آن ها را «خائنان چپ گرا» می نامند. حتی یکی از هواداران نخست وزیر تلاش کرد که چادر تظاهرکنندگان را آتش بزند ولی پلیس دستگیرش کرد. هدف هایی از این قماش از سوی هواداران راست و راست افراطی، همچنین خانواده

های گروگان را نشانه گرفته است. صهیونیست های مهدویت گرا جنگ را به مثابه نشانه ی فرارسیدن روز رستاخیز می نگرند . پرفسور پوئل اِلِیتزر بر روی سورگیم، یک سایت صهیونیسم مذهبی مقاله ای منتشر کرده و در آن توضیح می دهد که حمله ۷ اکتبر بخشی از طرح الهی برای مجازات اسرائیلیان است «که از عظمت کشور و شهرهای نیاکان [شان] صرف نظر کرده و ارزش های پوچی را برگزیده اند و خود را تسلیم اعمالِ نفرت انگیز جنسی کرده اند». پس از اعتراض های فراوانی که مقاله برانگیخت، پرفسور آن را حذف کرد. اما، در این محفل ها، ایده ی ایجاد مجدد شهرک های مستعمره در غزه در حال جاافتادن است. تومر پرسیسکو پژوهشگر انستیتو شالوم-هارتمَن هراس دارد که پس از جنگ، راستِ ناسیونالیست و گرایشِ دین پرستی مستحکم تر شود. او توضیح می دهد که «مناقشه ی کنونی به یک فرایند سیاسی منطقه ای خواهد انجامید. اگر اسرائیل آن را بپذیرد، در راه اعاده حیثیت قدم برخواید داشت، وگرنه در گردابِ جهنمیِ سال ها با نتانیاهو گرفتار خواهد ماند. این به معنیِ انزوا، فروپاشی اقتصادی و اجتماعی است».

* منظور، الحاق همه سرزمین های فلسطینیِ اشغالی به اسرائیل است.

عنوان اصلی مقاله:

L'erreur stratégique d'Israël, par Charles ENDERLIN

.Le Monde-diplomatique, janvier 2024

* صالح العاروری، نفر دوم حماس در روز سه شنبه 2 ژانویه 2024 در حمله پهپادی اسرائیل به دفتر او در بیروت کشته شد.

زیرنویس ها:

۱ – Matti Steinberg که در دانشگاه پرینستون و هایدلبرگ تدریس می کند، از جمله نویسنده ی آثار زیر است:

« La Nakba comme traumatisme. Deux approches palestinienne et leur répercussion politique », Le Débat, Paris, 2017

In Search of Modern Palestinian Nationhood. Moshe Dayan

.Center – Syracuse University Press, Tel-Aviv, 2016

۲ – مراجعه کنید به مقاله «صلح، اکنون» نوشته اینیاسو رامونه،
لوموند دیپلماتیک، آوریل ۲۰۰۲.

– ۳

Tal Schneider, « For years, Netanyahu propped up Hamas. Now it's blown up in our faces », The Times of Israel, Jerusalem, 8 october 2023

۴ – کانال تلویزیونی لبنانی المیادین، نزدیک به حزب الله
مصاحبه مفصلی با ال-الروری انجام داده است: «ما برای نبرد کلی
آماده ایم و به طور بی سابقه ای بر اسرائیل پیروز خواهیم شد»
[به زبان عربی]، ۲۵ اوت ۲۰۲۳:

<https://palinfo.com/news/2023/08/847974>

– ۵

Death toll in Gaza from Israeli attacks rise to 17700 – «
.Health Ministry of Gaza », Reuters, December 9, 2023

– ۶

Tamar Hermann & Or Anabi, « Israelis sharply divided on the
question of a two State solution in return for US
assistance », The Israel Democracy Institute, December 5,
2023, <https://en.idi.org.il>

جنگ اسرائیل و حماس: چه موضعی

با ید گرفت؟

شیدان و ثیق



حمله‌ی نظامی و تروریستی حماس به جنوب اسرائیل، جنگ غزه و اشغال نظامی شمال این خطه توسط ارتش اسرائیل، کنشگران سیاسی و اجتماعی در اپوزیسیون جمهوری اسلامی را وامیدارد که در برابر این رخداد بزرگ با پیامدهای بین‌المللی و منطقه‌ای‌اش، دست به موضع‌گیرند زنند. افزون بر آن که خود موضوع نیز در سرنوشت تحولات پیچیده امروز جهان و خاورمیانه می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند. از این رو، هیچ کس نمی‌تواند در این باره جایگاه و موضع خود را مشخص ننماید. در پاسخ‌گویی به چنین الزامی است که در 8 نکته و در خطوط کلی و اساسی، ملاحظات زیر را در میان می‌گذاریم.

1- دشمن واقعی اصلی مردم فلسطین در غزه خارجی نیست، اسرائیل نیست، آمریکا، اروپا یا غرب نیست، بلکه در حقیقت درونی است، اندرونی است، داخلی است، دولت - سازمان توتالیتار و اسلامی حماس (دولت و ملت) است که 17 سال در این خطه حکمفرمایی مطلق می‌کند و مردم غزه را زیر سلطه و گروگان خود قرار داده است.

2- جنگ کنونی را سازمان تروریستی حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ (15 مهر 1402) با یک حمله نظامی به خاک اسرائیل و اعمال پوگروم ضدیهود آغاز کرد. حماس، یعنی شاخه فلسطینی اخوان المسلمین، از همان آغاز حاکمیت‌اش بر غزه در 2004 تا کنون، نابودی و محو اسرائیل را در سرلوحه‌ی منشور و برنامه خود قرار داده است.

3- در مقابله با جنگی که حماس آگاهانه، با برنامه ریزی قبلی و با پشتیبانی حزب‌الله لبنان و جمهوری اسلامی... به راه انداخت، اسرائیل برای دفاع از خود و با هدف نابود کردن نیروی نظامی حماس دست به بمباران و اشغال شمال غزه می‌زند. رهبری سیاسی حماس اما در قطر لانه کرده است و به سادگی منهدم نمی‌شود. نفوذ سیاسی-ایدئولوژیکی آن نیز با این جنگ از بین نخواهد رفت، اگر توسعه پیدا ننماید.

4- جنگ هوایی و زمینی با نیروهای حماس که مردم سیویل را سپر

انسانی خود قرار داده و از بیمارستان‌ها، اماکن عمومی و تونل‌های زیرزمینی در مناطق مسکونی چون پایگاه نظامی استفاده می‌کند و هم چنین جنگ شهری با حضور جمعیتی کثیر و متمرکز در مساحتی کوچک، بیشک به مرگ هزاران تن از مردم و آوارگی چند صد هزار نفر می‌انجامد. در چنین شرایطی، وقوع جنایات جنگی از سوی ارتش اسرائیل از یکسو و وقوع جنایات جنگی از سوی حماس با سپر قرار دادن اهالی شهر، تا اندازه‌ای اجتناب‌ناپذیر بوده و یکی از ویژگی‌های این جنگ را تشکیل می‌دهد. به پیرو حقوق بین‌المللی، این جنایات جنگی و تجاوز به حیات جسمی و روحی مردمان غیر نظامی از هر سو، به‌ویژه از سوی ارتش اسرائیل، به راستی باید توسط نهادهای غیر دولتی و جامعه بین‌المللی در هر سطح محکوم شوند و محکوم نیز می‌شوند.

5- در توصیف درگیری‌ها و اخبار جنگ، کشته‌ها، خسارات و غیره، بدون وجود خبرنگارانی مستقل در میدان جنگ نمی‌توان از چند و چون ارقام قربانیان غیر نظامی و نظامی اطلاعات بی‌طرفانه و موثق به دست آورد. به جنگ تبلیغاتی طرفین نمی‌توان اطمینان کرد. به ویژه به تبلیغات حماس که نمونه‌ای مشخص از آن را در دست داریم: پرتاب موشک از طرف [فلسطین] [حماس] به سمت اسرائیل که در مسیر خود در بالای بیمارستانی در غزه منفجر می‌شود و حماس آن را به اسرائیل نسبت می‌دهد و رغم دروغ ۵۰۰ کشته را پخش می‌کند. اگر تساهال (ارتش اسرائیل) آخرین به چند خبرگزاری خارجی و مستقل اجازه ورود به شمال غزه (البته همراه با نیروهای نظامی) را داده است، در سیستم پنهان و توتالیتار حماسی چنین چیزی قابل تصور نیست.

6- پیروزی دولت - سازمان حماس در این جنگ، در حقیقت، پیروزی بنیادگرایی اسلامی خواهد بود. پیروزی متحدین آن یعنی جمهوری اسلامی، حزب‌الله لبنان و گروه‌های اسلامگرا در خاورمیانه و جهان برای مدت‌هایی مدید خواهد بود. پیروزی قدرتهای دیکتاتوری، ارتجاعی یا توتالیتار چون روسیه پوتین، چین استیلاطلب، پان‌ترکیسم اردوغان و دیگر دیکتاتوری‌ها خواهد بود. سرانجام پیروزی گروه‌ها و احزاب پوپولیست و اقتدارگرای چپ و راست در جهان خواهد بود.

7- در این میان باید گفت که دشمن اصلی این نیروهای دیکتاتوری، اسلام‌گرا و تمامیت‌خواه از نوع داعش، القاعده، حماس، جمهوری اسلامی و یا روسیه، چین، ترکیه اردوغان و دیگر اقتدارگرایان چپ

و راست در دنیای امروز... اسرائیل نیست، آمریکا، اروپا و به طور کلی "غرب امپریالیست و کولونیالیست" نیست، برخلاف آن چه که اینان در لفاظی‌های خود ادعا و تبلیغ می‌کنند. بلکه به واقع و در حقیقت، دشمن اصلی این دیکتاتوری‌ها که امروزه اکثریت بزرگی از کشورهای جهان را تشکیل می‌دهند - آن چه که زیر عنوان "جنوب گلوبال" می‌نامند که شامل چین و روسیه هم می‌شود - تنها و تنها امر دموکراسی، آزادی، جدایی دین و دولت، آزادی زنان، برابری زن و مرد، حقوق بشر و اینگونه ارزشهای مدنی، مدرن و اونیورسال است که از دید این اقتدارگرایان باید نابود شود تا استبداد، دیکتاتوری و تاریکاندیشی خود را بتوانند پابرجا نگهدارند.

8- مردم اسرائیل و مردم فلسطین از تراژدی هولناک و نزاع تاریخی هفتاد ساله‌ی خود خلاص نمی‌شوند تا زمانیکه دو اتفاق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بزرگ، اساسی و همزمان در میان‌شان رخ ندهند.

- اولین اتفاق در اسرائیل باید رخ دهد. با شکل‌گیری پایدار يك حکومت طرفدار صلح و مبرا از جریان‌های افراطی دینی، مهدویتی (messianique) و ناسیونالیستی، که جنگ افروزی، فلسطینی‌ستیزی و توسعه طلبی را از راه ایجاد و تشویق کولونی‌سازی‌ها و اشغال سرزمین‌ها در کرانه‌ی باختری رود اردن، با پشتیبانی و پاسبانی ارتش اسرائیل، به پیش می‌برند. شکلیابی حکومت صلح طلبی در اسرائیل لازم است که وجود يك دولت مستقل فلسطینی در همسایگی خود در کرانه باختری و غزه را چون کلیتی به‌هم پیوسته و با اعتبار به رسمیت شناسد. در اسرائیل امروز، وجود یک دموکراسی و پلورالیسم دیرپا (به رغم بسیاری کمبودها و نقمها از جمله در اجرای گونه‌ای آپارتاید)، وجود جوانان، زنان و جنبشهای اجتماعی فعال و آشنا با ارزشهای مدرنیته، وجود حزبها و انجمنهای مختلف و آزاد (از جریان‌های آنارشیست و چپ تا میانه و راست افراطی) و در مجموع وجود یک جامعه‌ی مدنی پیشرفته و متمدن، فعال و مترقی، لائیک و کثرت‌گرا، با پذیرش اشتراک‌ها، اختلاف‌ها، تضادها و چندگانگی در درون خود، با اعتراض‌ها و انتقادهایش از رژیم و سیستم و بالاخره در طرفداری از صلح و همزیستی با فلسطینیان... باری وجود این پدیدارهای اجتماعی توانا در کشور اسرائیل امروز، ترجمان نیروی بالقوه بزرگی است که می‌تواند چشم‌انداز امیدبخشی را نوید دهد: هم برای این کشور، هم برای حل و فصل نهایی مسأله‌ی فلسطین و هم برای صلح و ترقی در کل منطقه

خاورمیانہ.

- دومین اتفاق در کرانہ باختری و غزہ باید رخ دهد. مردم فلسطین نیز باید با بہ رسمیت شناختن حق حیات و استقلال برای یک دولت ہمسایہ اسرائیلی، در درون خود انقلابی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی انجام دهند و یک جامعہی مدنی آزاد، لائیک، پلورالیست و طرفدار دموکراسی و صلح بہ وجود آورند و گروہہای اسلامگرا، دینسالار، توتالیتئر، جنگ افروز و تروریست را در میان خود منزوی و طرد کنند. اما پرسش اصلی این است کہ آیا در فلسطین چنین ذہنیت دمکراتیک و لائیکی می‌تواند بہ دور از فرهنگ و ایدئولوژی اسلامگرا، تاریک اندیش و تمامیت‌خواہ شکل گیرد؟ بہ ویژه در پی این جنگ کنونی با خانمان‌براندازی‌اش، با کشتہ‌ها و آوارگی بسیاری از مردمان‌اش. جنگی کہ مسبب اصلی‌اش البتہ حماس است و در نتیجہ اجتناب‌ناپذیری‌اش از سوی اسرائیل برای دفاع از خود، اما با پیش زمینہی سال‌ها کولونی‌سازی، ظلم و ستم در کرانہ باختری و محاصره غزہ توسط این کشور و سرانجام با زیر پا نهادن امر خطیر ایجاد صلحی پایدار از راہ ایجاد دو کشور مستقل فلسطینی و اسرائیلی در کنار ہم.

شیدان وثیق

آبان 1402 - نوامبر 2023

cvassigh@wanadoo.fr

www.chidan-vassigh.com